

پس از چهار سال؟

مسعود آرین‌نژاد*

به‌عنوان یکی از افرادی که خیلی از همکاران، سرنوشت ارسال، پیگیری و رسیدگی به عریضه‌ی جمعی انتقاد از برنامه آموزشی ریاضیات و کاربردها، خطاب به کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی^{۱۲} را از من جویا می‌شوند و امضاکنندگان هم جمعیتی پرتعداد و چشم‌پوشی ناپذیر هستند بی‌راه نیست که گزارش اجمالی آن‌چه بر سر آن عریضه‌ی مظلوم تا به حال رفته در خبرنامه بیاید. ماجرا از آن‌جا آغاز شد که اعضای کمیته در مواجهه با انتقادهای معمولاً اظهار می‌داشتند که منتقدین فقط چند نفرند و مقبولیت و استقبال از برنامه در دانشگاه‌ها خیلی زیاد است. حال آن‌که واقعاً چنین نبود اما این گمان، سند و مدرک همه فهم و تردید ناپذیری می‌خواست. در یکی از گردهمایی‌ها یکی از همکاران پیشنهاد کرد این ادعا به‌طریقی به آزمون درآید تا تکلیف روشن شود یعنی اگر حق با فرضیه‌ی کمیته بود این چند نفر منتقد معدود هم سر به زیر و تسلیم شوند و پی کار خود بروند تا دنیا از این که هست هم بهتر شود و اگر چنین نبود ببینیم که پس از آن چه می‌گویند. با این مقدمه و ذهنیت، در طی تابستان ۹۲ به اتفاق سه نفر از همکاران از سه دانشگاه متفاوت، خلاصه‌ای از انتقادهای مطرح عمومی و به تکرار گفته شده درباره برنامه ریاضیات و کاربردها را در طی عریضه‌ای خطاب به کمیته علوم ریاضی تنظیم کردیم و به‌طور کاملاً جسته گریخته‌ای و غالباً از طریق همین رایانامه‌ی رام شده عصر نوین! برای تعدادی از همکاران منتقد برنامه در چند دانشگاه ارسال کردیم. اما خوشبختانه متن نوشته شده بدون هیچ مدیریتی، در خیلی از دانشگاه‌ها چرخید و تا تاریخ ۹۲/۱۰/۸ یکصد و شصت و دو نفر از ۲۱ دانشگاه پای آن را امضا کردند. خیلی‌ها هم، به رغم انتقاد جدی از برنامه، بنا بر ملاحظات و احتیاط‌های متنوع رایجی، به‌ویژه به وقت امضای یک عریضه انتقادی، آن را امضا نکردند که کمابیش قابل فهم است به‌علاوه خیلی‌ها هم از وجود چنین نامه‌ای بی‌خبر ماندند. این عریضه همراه با این تعداد امضا در دی‌ماه ۹۲ به پیوست سرنامه‌ای خطاب به مدیر کل دفتر پشتیبانی و حمایت آموزش عالی که کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی را در بر دارد به این مقصد ارسال گشت. در سرنامه یادشده خطاب به مدیر کل چنین آمد: "...امضاکنندگان این نامه تنها بخش کوچکی از جمعیت گسترده منتقدینی از جامعه ریاضی کشور هستند که قریب سه سال است به شیوه‌های دانشگاهی مختلفی مانند انتشارنقدهای تحلیلی مکتوب، اظهارنظر در میزگردهای دانشگاهی و نیز در ضمن گفتگوهای درونی جامعه علمی انتقادهای متنوع خود را نسبت به این برنامه ابراز نموده‌اند اما هیچ‌گاه با اعتنا و واکنش درخور و موجهی از جانب کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی مواجه

نگشته‌اند ... خواهشمند است ترتیبی دهید که این نامه به نحوی مناسب و مقتضی، فرصت تجدید نظرهایی جدی و اصولی را در چارچوب‌های نظری، نظام تصمیم‌گیری، ترکیب جمعیتی و پاسخگویی کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی فراهم آورد و از پاسخی متناسب شأن و قدر این جمع هم بی‌بهره نماند."

پس از ارسال نامه، خیلی از همکاران امضاکننده به علاوه خود من گمان می‌کردیم (نه از روی منطق عملی و ارسطویی!) که اولین مواجهه کمیته برنامه‌ریزی حتماً دعوت از برجستگان این جمعیت منتقد برای بحث و گفتگوی رو در رو و رسیدن به نقطه‌هایی از یک تفاهم و تشریک مساعی خواهد بود. من حتی گمان داشتم که وزن و سابقه برخی از این افراد منتقد چنان است که هرگاه یکی از ایشان هم به تنهایی منتقد باشند برعهده اخلاق و اعتماد به نفس کمیته خواهد بود که از باب احترام به تجربه و پیشکشوتی، با ایشان از در گفتگو و احترام و استماع در آید و رأی و نظرشان را با حوصله و صبوری بشنوند و حمایتشان را به طریقی جلب نمایند تا به غیر از ابلاغ تند و تیز برنامه، قدری هم بلاغت آرام اخلاق کرده باشند! با کمال ناپاوری پس از مدتی، نوشته‌ای از جانب دکتر پارسیان در خبرنامه شماره ۱۳۸ به‌عنوان پاسخ منتقدین معدود و رهگذر چاپ گردید! در این پاسخ با ارجاع مکرر به متن برنامه مصوب، همان مواضع قبلی کمیته تکرار و بسیاری از نکته‌ها و نگرانی‌های طرح شده در عریضه مسکوت گذارده شد. دو بار مراجعه مستقیم اینجانب به مدیر کل محترم وزارت، آقای دکتر نوه ابراهیم، برای توجه و پیگیری مستقیم و مؤثر ایشان نسبت به موضوع، به این دلیل قاطع ساده که آن عریضه جمعی و دانشگاهی است نه فردی و شخصی، تنها با پاسخ‌های کلی و اداری ایشان دایر بر پیگیری امر مواجه گشت و اتفاقی نیفتاد.

حال شاید بد نباشد که مستقل از محتوا و مضمون متن این دو نوشته منتقدین و پاسخ کمیته، اصولاً معنی تهیه و ارسال چنین عریضه‌ای با چنین جمع پشتیبان مصممی جستجو شود؟ بد نیست که کمیته محترم، نخست در صدد تفسیر موجهی از این جنبه‌ی ماجرا برآید. یک پرسش راهنما این است که آیا برای اعضای کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی صرف صدور احکامی از طرف مدیرکل مربوطه برای عضویت در این نهاد کافی است یا اعضا، خود به پشتوانه اعتبار و مشروعیت علمی متکی به آراء جامعه دانشگاهی مرتبط هم اهمیت می‌دهند؟ آیا حداقل تفسیر تقدیم این نامه، نوعی استیضاح محترمانه برای کارنامه چند سال اخیر این کمیته نیست؟ و اگر از این مرحله استیضاح بگذریم آیا کمیته محترم هیچ نگران رأی اعتماد جامعه علمی نیستند. پس آیا رجوع مجددی به انتقادهای متعدد عمومی و یا انتشار یافته در خبرنامه انجمن برای تجدیدنظر مناسبی پس از گذشت چهار سال از یک تجربه ناموفق درخواست نابجایی است؟

* دانشگاه زنجان